



دفع خطر جنگ از ایران با تشکیل جبهه وسیع صلح خواهی و آزادیخواهی و دفاع از حقوق بشر و دموکراسی

گفتگو با مهدی خانبابا تهرانی

تلاش - آقای تهرانی خدمتتان سلام عرض می‌کنم.

خانبابا تهرانی - من هم به شما سلام دارم و خوشحالم که در این لحظه‌های حساس و سرنوشت ساز در کشورم و در غوغای بین‌المللی که در مورد ایران وجود دارد، با شما گفتگو می‌کنم.

تلاش - امروز در گزارش کوتاهی به نقل از سخنان وزیر امور خارجه فرانسه، مجدداً بر این نکته تکیه شد که فرانسه دستیابی حکومت اسلامی به سلاح اتمی را هرگز نخواهد پذیرفت، وی بر فشارهای اقتصادی - سیاسی بر حکومت اسلامی به عنوان گزینه اصلی تأکید کرد. اما می‌دانیم چندی پیش لاریجانی اعلام داشت که حتی در صورت بایکوت‌های گسترده تر شورای امنیت سازمان ملل، ایران از تلاشهای خود در زمینه تکنولوژی هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم دست برنخواهد داشت. آیا نتیجه این پافشاری ایران به معنای تقویت گزینه نظامی نخواهد بود؟ ما شاهدیم که این روزها همه جا نسبت به افزایش خطر حمله نظامی هشدار داده می‌شود. نظر شما در این باره چیست؟

خانبابا تهرانی - پیش از پاسخ به این پرسش باید به نکته‌ای مهم اشاره کنم. از زمانی که برخی محافل آمریکایی و اروپایی گزینه نظامی را برای مقابله با جمهوری اسلامی مطرح کرده‌اند من همواره نظر بر این داشتم که هر نوع حمله نظامی به ایران، محدود یا گسترده، نه تنها راه حل نیست، که به دلیل موقعیت استراتژیک ایران و بحران‌های که برخی کشورهای همسایه ایران در آن‌ها درگیر شده‌اند و دلایل دیگر، ناممکن نیز هست. اگر آتش خانمان سوز جنگ علیه ایران شعله‌ور شود بحران در ایران و منطقه چندان بالا خواهد گرفت که کنترل آن برای هیچ‌کس و از جمله برای مهاجمان ممکن نیست و دولت‌هایی که جنگ را برافروخته‌اند نیز از عواقب منفی جنگ در امان نخواهند بود. با توجه بدان که برخی دولت‌ها و جناح‌های معینی از نو محافظه‌کاران با نفوذ در دولت کنونی آمریکا می‌کوشند تا به دستاویز دفاع از حقوق اقلیت‌های قومی زمینه تجزیه ایران را آماده کنند، حمله نظامی به ایران چند پارگی جغرافیایی کشور را به تهدیدی جدی بدل خواهد کرد. حمله نظامی به ایران و تلاش برای تجزیه و چندپاره کردن کشور البته بی‌پاسخ‌نمانده و با مخالفت مردم ایران رو به رو خواهد شد. اکثریت مردم ایران با رژیم حاکم مخالف‌اند و از سلطه آن‌رنج می‌برند اما در برابر حمله نظامی به کشور ساکت ننشسته و با مهاجمان مقابله خواهند کرد. این عوامل و دلایل و عوامل گوناگون دیگر نشان می‌دهند که حمله نظامی به ایران گزینه در دستور نیست و احتمال حمله نظامی گسترده به ایران احتمالی بسیار بعید است.

به‌رغم این‌گونه محاسبات اما عواملی چون سرسختی نیروهای خشک مغز جمهوری اسلامی و عدم تمایل آنان به حل بحران روابط خارجی، پافشاری در مساله انرژی هسته‌ای و دیگر سیاست‌های تنش‌زای جناح‌های تندرو حکومت جمهوری اسلامی می‌تواند ذهنیت محافل محافظه‌کاران نو را به سود گزینه نظامی سوق دهد. نشانه‌هایی از تقویت گزینه نظامی در فضای سیاسی دیده می‌شود. آقای مایکل لدین در کتاب جدید خود به عنوان «بمب ساعتی در ایران» که اخیراً منتشر شده است، گفته است که زیان‌های پذیرش ایران هسته‌ای کم‌تر از فاجعه حمله نظامی آمریکا به ایران نیست. این کتاب از یک سو هراس نومحافظه‌کاران را از ایران اسلامی نشان می‌دهد و از دیگر سو ترجمان سیاست جنگ‌افروزانه محافلی است که تنها راه حل مساله ایران را در حمله نظامی جست و جو کرده، آتش جنگ در منطقه را برافروخته‌تر و شعله‌ورتر می‌کنند. آقای کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه نیز به دنبال و در راستای سخنان آقای سارکوزی تأکید کرده است که تحمل یک ایران هسته‌ای ممکن نیست. دولت راست فرانسه نقش بلندگوی محافظه‌کاران آمریکا را در جدال بین ایران و آمریکا بر عهده گرفته است.

مجموعه این سخنان و اخباری که این روزها در باره استقرار نیروهای آمریکایی - انگلیسی در مرز شلمچه به من رسیده است و یا مقاله گاردین، نشان می‌دهند که تنش بین جمهوری اسلامی و آمریکا روز به روز شدیدتر شده و به گفته برخی تحلیل‌گران می‌تواند به جایی برسد که روزی در آینده نه چندان دور تقابل نظامی دو کشور ایران و آمریکا را مثلاً در باره عراق گریزناپذیر کند.

به رغم بعید بودن گزینه نظامی اگر جمهوری اسلامی از یک سو و دولت آمریکا از دیگر سو بحران را با درایت کنترل نکنند احتمال شعله ور شدن آتش جنگ را نیز باید در نظر داشت. برخی جنگ های گذشته بر زمینه بحران های تشدید شده ریشه دار با جرقه ای بی خردانه آغاز شدند. جنگ اول جهانی با اقدام صرب ناسیونالیستی آغاز شد که ولی عهد امپراطوری مسلط را ترور کرد. خیره سری نازی های آلمانی آتش جنگ دوم جهانی را شعله ور ساخت.

در موقعیت کنونی خطر جنگ و حمله گسترده نظامی به ایران را ، حتا اگر تهدیدی در سایه و احتمالی بعید باشد، باید جدی گرفت چرا که جنگ فاجعه ائی بزرگ را بر مردم ما و مردم منطقه آوار خواهد کرد. مقامات روسی اخیر گفته اند که شایعه حمله آمریکا به ایران بخشی از یک جنگ روانی است و هدف آن مجبور کردن ایران به انعطاف در اختلافات فی مابین است. شاید این ارزیابی درست باشد اما روس ها در ایران به دنبال منافع خویش اند و ما ملتی هستیم که اگر جنگ رخ دهد هستی و شاید موجودیت خود را از دست خواهیم داد. به همین دلیل خطر جنگ را ، حتا اگر چون احتمالی بعید مطرح شود، باید جدی و تمامی توان خود را برای پرهیز از آن به کار گرفت

من به عنوان فردی که تمام زندگی خود را برای آرمان های خود فدا کرده است به میهن و مردم ایران می اندیشم. از روزگاری که تحقق نظام سوسیالیستی را راه حل جامعه ایرانی می دانستم تا امروز که تحقق دموکراسی و تأمین حقوق بشر را در ایران شرط ضرور هر تحولی ارزیابی می کنم، به بقاء و استقلال میهن خود ایران و به نیکبختی مردم ایران دل بسته بوده و هستم.

برای من گذار از استبداد به دموکراسی مهم ترین و ضروری ترین گامی است که بدون آن راه بر هر پیشرفت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در ایران بسته است. اما دموکراسی فرآیندی است برخاسته از درون جامعه. در ایران دموکراسی را با زور و اسلحه خارجی نمی توان تحقق بخشید.

از منظر من دفاع از منافع و مصالح ملی مردم ایران، به دور از مفاهیم و برداشت های منسوخ شده ناسیونالیست های دوران جنگ سرد، و در چارچوب مناسبات نوین جهانی، و مبارزه برای تحقق دموکراسی از وظایف مهم هر نیروی دموکرات و آزادیخواهی است که مواضع خود را جدی می گیرد. در شرایط بحرانی کنونی در سیاست گذاری و تعیین و بیان مواضع باید شفاف ، صریح روشن بود. خطر را باید جدی گرفت. معتقدم که جنگ یک دیوانگی بزرگ است و چنان چه آتش جنگ شعله ور شود کنترل بحران هائی که در پی خواهد آمد به راحتی میسر نیست. در صورت حمله نظامی به ایران آتش خشونت و کشتار عراق را باید در پنجاه ضرب کرد تا ابعاد فاجعه را دریافت. برای پیشگیری از چنین فاجعه تاریخی و دیوانگی از این دست لازم است که همه نیروهائی که نسبت به حفظ کشور، ملت و حفظ جان و خانمان مردم بی گناه احساس مسئولیت می کنند، موضع بگیرند.

تلاش - در حالیکه برخی از سازمانها و احزاب سیاسی منتسب به اقوام ایرانی رسماً مشوق حمله آمریکا به ایرانند و در این میان مقاصد جدائی خواهانه خود را دنبال می کنند، برخی از نیروهای مخالف حکومت اسلامی ضمن موافقت ضمنی با حمله نظامی به ایران، ابعاد این حمله را تنها متوجه رژیم اسلامی دانسته و مصرند؛ در صورت حمله گزندی متوجه مردم و متوجه تمامیت و یکپارچگی کشور و ملت ایران نخواهد شد. آیا چنین تصویری از پیامدهای حمله نظامی آمریکا به عنوان قدرتمندترین نیروی نظامی جهان، به ایران، پایه ای در واقعیت دارد؟

خانبابا تهرانی - از آن جا که از سازمان ها و اقلیت های قومی و از بهره برداری برخی دولت ها از خواست ها و مسائل قومی به قصد به آشوب کشاندن بخش هائی از کشور سخن گفتید، باید به نکته ای مهم اشاره کنم.

من با برخی از رهبران احزابی که از حقوق اقلیت های ایرانی دفاع می کنند، به ویژه با حزب دموکرات کردستان ایران و همزمانی چون عبدالرحمن قاسملو و سعید شرافکندی آشنائی نزدیک ، روابط طولانی و گاه همکاری داشته ام. بر اساس شناخت خود اعتقاد ندارم که حزب دموکرات کردستان در دوره های مختلف و به ویژه از انقلاب به بعد خواهان حفظ تمامیت ارضی ایران نبوده است. آنها همیشه بر حفظ تمامیت ارضی ایران تاکید کرده اند. شعار قاسملو دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان بود و اعتقاد داشت که بدون استقرار دموکراسی در ایران خودمختاری برای کردستان تحقق پذیر نیست. برای او خودمختاری نوعی خودگردانی، یعنی دموکراتیزه کردن قدرت، تمرکز زدائی و البته تأمین خواست های به حق اقلیت ها در عرصه

های فرهنگ و زبان و هویت قومی معنا می‌شد. معتقدم که نه احزاب مدافع حقوق اقلیت‌ها که برخی افراد و گروه‌های سیاسی، که به اقلیت‌ها تعلق و توجه ندارند، و تنها از منظر قدرت و با چشم طمع به قدرت به جهان می‌نگرند، سودای بهره‌برداری و سوءاستفاده از مسأله اقلیت‌های قومی را در سر می‌پرورانند. اینان به جای مردم و نیروهای اجتماعی ایرانی به ارتش‌ها و دولت‌های خارجی تکیه می‌کنند. نقطه اتکای این گونه افراد و گروه‌ها نه مردم ایران که دولت‌های خارجی هستند. عطش قدرت آنان را به رویا دیدن در روز مبتلا کرده است. در خواب سیاسی اینان ارتش خارجی کرسی قدرت را برای آنان به ارمغان می‌آورد. کسان دیگر نیز هستند که جز به جاه‌طلبی‌های خود نمی‌اندیشند. این افراد به روزگاری که در ایران بودند با جناح‌های حکومتی در قدرت می‌پریدند و پس از شکست در تحقق آرزوهای جاه‌طلبانه خود در داخل کشور به امامزاده بی‌معجزه نیروهای خارجی دخیل بسته‌اند. گمان می‌کنند که اگر در باره فواید یا ضرورت حمله نظامی به ایران تئوری بافی کنند ارتش آمریکا کرسی‌ها قدرت را به عنوان جایزه به آنان هدیه خواهد کرد. برخی دیگر از خاستگاهی متفاوت اما به همان حد قدرت طلب گمان می‌کنند که با توسل به شعارهایی چون فدرالیسم راه حل سیاسی تولید می‌کنند. فدرالیسم، خود مختاری یا هر نوع نظام سیاسی دیگر می‌تواند در درون ایرانیان، در میان شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی و فرهنگی ایرانی به بحث گذاشته شود. دموکراسی در ایران برای حذف تبعیض‌های نا به حق قومی، فرهنگی، زبانی، مذهبی، جنسی و برای تحقق خواست‌های به حق اقلیت‌ها راه حلی مناسب در چارچوب حفظ تمامیت ارضی کشور خواهد یافت. گزیدن فدرالیسم، خودمختاری یا هر راه حل دیگری حق مردم ایران است و نه دولت‌های خارجی که سودائی جز بهره‌برداری از گره‌های اجتماعی و سیاسی ایران در سر ندارند.

در موقعیت حساس کنونی روشنفکران و نیروهای آزادیخواه حق ندارند، بنا به مصلحت و منافع شخصی و گروهی زودگذر خود و به بهانه مخالفت با حکومت جمهوری استبدادی ولایت فقیه راه کارهای غیر مسئولانه‌ای ارائه داده و یا در برابر راه حل‌های غیر منطقی سکوت کنند.

کسانی که راه حل رهایی ایران را از نظام استبدادی دینی در گزینه حمله نظامی آمریکا به ایران جست و جو می‌کنند با زندگی و حیات مردم ایران بازی می‌کنند. یادآور می‌شوم که شجاعت در عمل فرزند بصیرت در نظر است. آن‌هایی که در این مرحله حساس و حیاتی کشورمان، به جای گشایش یک جبهه وسیع آزادیخواهی و دموکراسی و دفاع از حقوق بشر و صلح در برابر جنگ طلبان جمهوری اسلامی و در مقابل حمله نظامی به ایران مهر سکوت بر لب زده‌اند و یا زیرجلگی و بزدلانه از گزینه جنگ حمایت می‌کنند، باید بدانند که دانسته یا ندانسته به ادامه استبداد دینی و به تجزیه کشور و سلطه خارجی و فاجعه تاریخی در منطقه یاری می‌رسانند.

کسانی که به دستاویز دموکراسی با سیاست دولت کنونی آمریکا همراه شده و به گفته خود، برای تحقق دموکراسی، دولت آمریکا را برای حمله نظامی به ایران تشویق می‌کنند شاید متوجه این حقیقت نیستند که خوگردن به فرومایگی و وجه مشخصه همه فرصت‌طلبان در عرصه سیاست بوده و هست. رفتار این کسان در بازار سیاست و دنبال‌روی تازه نیست. اپوزیسیون ترقیخواه ایران می‌داند که نظام ولایت فقیه برای حفظ و گسترش قدرت خود از هیچ چیز حتماً قتل و جنایت و برباد دادن تمامیت ارضی ایران ابا ندارد.

راه حل مسأله اقوام ایرانی حمله نظامی خارجی و جدا کردن بخشی از کشور نیست. تنها با به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌ها و حذف و رفع همه تبعیض‌ها می‌توان حقوق بشر را رعایت، دموکراسی را تضمین و وحدت و تمامیت ارضی کشور را حفظ کرد. انکار حق اقلیت‌ها تحزیه طلبی را تقویت می‌کند و از دیگر سو توسل به حمله نظامی و ارتش خارجی موجودیت کشور را به خطر انداخته، آشوب و هرج و مرج و ویرانی کشور را سبب می‌شود. زمانه زمانه عاقبت طلبی و سکوت نیست چرا که سیاست‌های جمهوری اسلامی و مواضع برخی جناح‌ها در دولت‌های خارجی فاجعه بزرگی را برای مردم ما تدارک می‌بینند.

در این موقعیت، انسانی که اعلام می‌کند که اگر ارتش‌های خارجی به ایران حمله کنند، با متجاوز می‌جنگد، یا انسانی که با شجاعت می‌گوید که اگر جنگی رخ دهد موقتاً در کنار جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد، برای من صدها هزار بار با ارزش‌تراند از کسانی که در لباس‌های گوناگون به خطر جنگ دامن می‌زنند چرا که مشوقان ایرانی حمله نظامی به ایران برای ویرانی کشور و نابودی مردم تلاش می‌کنند.

تلاش - می‌دانیم در برابر نیروهائی که جنگ را تشویق می‌کنند، هستند ایرانیان بسیار و سازمانها و

گروه‌هایی که مخالف هرگونه حمله نظامی به ایرانند، اما با استناد به این که همه این فلاکتها و بخطر افتادن همه هستی کشور و ملت در نتیجه سیاستهای حکومت اسلامیست. این نیروها به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی - حداقل امروز در حرف - حاضر نیستند در کنار جمهوری اسلامی قرار گیرند و با این حکومت هم سیما و هم‌زبان شوند. لطفاً بفهمانید، وظیفه چنین افرادی در لحظه کنونی چیست؟

خانابا تهرانی - به نظر من اگر تا کنون نیروهای گوناگون اپوزیسیون ایران، از چپ و راست و میانه و ملی تا اقوام گوناگون نتوانسته اند با اتحاد حول محور راه حل بزرگ اجتماعی با هم توافق کنند، هم اکنون و در این مرحله از تاریخ این امکان وجود دارد تا همه نیروها، به ویژه نیروهایی که در بیرون از کشور در عرصه فعالیت سیاسی آزادی دارند، برای تحقق دموکراسی، تضمین صلح، برای آزادی و حقوق بشر در ایران به پا خیزند. گشودن یک جبهه بزرگ برای دموکراسی، حقوق بشر و صلح و علیه استبداد، جنگ و حمله نظامی راه حلی کارساز در مبارزه مردم ایران برای رهائی است.

از روزی که پا در سیاست گذاشته‌ام، همواره خواست من این بوده است که این جامعه و ایران ما پا برجا باشد و ملت آن نیکبخت و خوشبخت و سعادتمند. روزگاری معتقد بودم که آرمان‌های من با استقرار سوسیالیسم تحقق می‌یابد و امروز معتقدم که تحقق دموکراسی، رعایت حقوق بشر و مناسبات صلح‌آمیز و تنش‌زدائی در عرصه بین‌المللی شرط ضرور تحول اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در ایران است. اما در همه مراحل زندگی سیاسی خود و به رغم تجربه‌ها و تحولات گوناگونی که از سر گذرانیده‌ام، همواره نیکبختی مردم ایران برای من و در آرمان‌ها و آرزوها و مواضع من نقش اصلی را داشته است.

هر برنامه و سیاستی که برای نیکبختی و آزادی مردم ایران مطرح می‌شود در صورتی با معنا است که کشوری به نام ایران وجود داشته باشد و مردم آن آزادانه و به دور از سلطه خارجی و داخلی سرنوشت خود را رقم زنند. کشور ایران و مردم آن باید بمانند تا ما بتوانیم از راه حل‌های گوناگون برای ایران سخن بگوئیم. کسانی که به این امر و به از هم‌پاشی و فروریختن جامعه ایرانی توجه نمی‌کنند و قدرت را با هر بهائی، حتا به‌بهای ویرانی کشور و نابودی مردم، مشروع و خواستنی می‌پندارند، کوران و کورذهنانی بیش نیستند. تاریخ و آینده هرگز آن‌ها را نخواهد بخشید.

کسانی که در موقعیت حساس کنونی سکوت کرده و حاضر نیستند یک قدم برای تحقق دموکراسی، حقوق بشر، آزادی، صلح و تنش‌زدائی و رفع خطر احتمال جنگ بردارند نیز در برابر تاریخ ایران مسئول اند. چپ و راست و میانه، کرد و ترک و فارس و بلوچ، به شرط اعتقاد به دموکراسی، حقوق بشر، تنش‌زدائی و صلح در مرحله کنونی، در صف نیروهای آزادی‌خواه ضد استبداد و ضد جنگ قرار دارند. ما می‌توانیم در درون خود برای حل مسائل دیگر، از جمله تامین حقوق اقلیت‌ها، راه حل‌های مناسب را بیابیم یا با هم توافق کنیم و یا حد اکثر حل برخی مسائل را به دورانی محول کنیم که مردم ایران از بخت انتخاب آزادانه برخوردار شوند. تأکید می‌کنم؛ اگر ایرانیان نتوانند خودشان به دست خود مسائل خود را حل کنند، راه بر سؤاستفاده خارجی‌ها باز خواهد شد.

کسانی که تجربه تاریخی دارند، می‌دانند و یا باید بدانند که در ایران با ریختن بمب بر سر مردم دموکراسی شکوفا نخواهد شد. تنها با همکاری نیروهای آزادی‌خواه و مخالف استبداد دینی و غیر دینی است که آرزوی دموکراسی به ثمر می‌نشیند. جبهه واحد علیه استبداد و تهاجم خارجی، اگر جنگی علیه ایران رخ دهد، راه حلی است که می‌تواند زمینه‌های همکاری گسترده نیروهای دموکرات و صلح‌طلب را فراهم کند.

تلاش - آقای تهرانی می‌دانیم که شما ارتباطات گسترده‌ای با افراد و گروه‌های مختلف از گرایشهای سیاسی گوناگون دارید. اجازه دهید پرسیم نیروهای دیگر چه می‌گویند، در مورد خطر حمله احتمالی چه نظری دارند و چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنند. از برخی از نیروهای چپ اجمالاً سخن گفتید، دیگران چه؟ به عنوان نمونه نظر نیروهایی که پس از شکست دوم خرداد، از بدنه جمهوری اسلامی جدا شده و به صفوف مخالفین حکومت پیوسته‌اند، در باره وضعیت کنونی چیست؟

خانابا تهرانی - شناخت و دانش من در باره مواضع فعالین سیاسی که در تماس مستمر به دست آمده است، از دل‌نگرانی اکثریت نیروهای سیاسی نسبت به سرنوشت ایران خبر می‌دهد. گرایش‌ها، شخصیت‌ها و نیروهای سازمان یافته یا منفردی که دل‌نگران سرنوشت کشور و مردم خود هستند اکثریت بزرگی را شکل می‌دهند. هستند کسانی که گمان می‌کنند پشت تانک‌های خارجی یا با هواپیماهای نظامی می‌توانند به ایران بازگشته و با قبضه کرسی‌های قدرت منافع خود را تامین کنند. اینان در محاسبات بزرگ ملی ما ارزش چندانی ندارند. معدودی نیز به بیماری عطش قدرت و مقام دچار اند و کوتوله‌هایی هستند که خود را با شخصیت‌های بزرگ

تاریخی مقایسه می کنند و خواب آن را می بینند که به کمک دولت های خارجی نقش چلبی ها یا برخی رهبران انقلاب های بلوک شرق سابق را بازی کنند. کاریکاتورهای بی شباهتی که در رویاهای بیمارگونه خود چندان غرق شده اند که واقعیت های ساده را نمی بینند. این گروه ها و کسان همیشه بوده اند اما نقشی در تحولات اجتماعی و سیاسی ایفاء نکرده و حد اکثر به کارمندان غیر رسمی یا رسمی سازمان های دولتی خارجی بدل خواهند شد. مهم ترین نیرو در میان ایرانیان، نیروی مدافع دموکراسی و صلح است، نیروئی که با استبداد و جنگ مخالف است. این نیرو متأسفانه تا کنون نتوانسته سیاست مشخص و شفاف را برای آزادی ایران از استبداد و تحقق دموکراسی بدون سلطه خارجی به دست دهد. این گرایش امروز وظیفه دارد تا با خردمندی و شجاعت سیاسی سیاست های روشن و عملی را به سود دموکراسی و مردم ایران تدوین و اعلام کند.

می دانم که شما، به عنوان یکی از نیروهای اپوزیسیون، طرحی را از مدت ها پیش تدوین و اعلام کرده اید. خوشحالم که طرح شما برای تاسیس یا تشکیل «جبهه بزرگ برای صلح و آزادی» در میان نیروهای اپوزیسیون به بحث گذاشته شود تا راه حلی نهائی و سیاست های روشنی که اتحاد همه یا حداکثر نیروهای آزادی خواه و صلح طلب را در عرصه عمل سیاسی زمینه سازی خواهد کرد، از درون بحث های جدی و مسئولانه تدوین شده و آرزوی همه ما برای همکاری یا اتحاد نیروهای پراکنده آزادی خواه به تحقق نزدیک تر شود.

تلاش - انتظار ما هم از شما همچون همیشه ادامه تلاشهایتان در همین مسیر است آقای تهرانی !

خانابا تهرانی - من از همکاری یا اتحاد نیروها، شخصیت ها، گرایش ها و احزاب آزادی خواه و صلح طلبی که با هر نوع استبداد و جنگ، با هر نوع نظام استبدادی و با هر نوع حمله نظامی به ایران مخالف اند و برای دموکراسی، حقوق بشر، صلح و تنش زدائی مبارزه می کنند استقبال می کنم و با همه کسان و گرایش هایی که در این راه می کوشند همگام و همراه خواهم بود. سلطه استبداد بر ایران بزرگ ترین مشکل ایران است اما اگر جنگی رخ دهد، اگر ارتش های خارجی به ایران حمله کنند - فرضی که به نظر من بعید و تا حد بالائی ناممکن است - من با تمام توان خود و متناسب با موقعیت و صف بندی هایی که در آن شرایط فرضی شکل خواهد گرفت، با تهاجم نظامی خارجی و با ارتش اشغالگر خواهم جنگید. به نظر من کسانی که گفته اند اگر جنگی رخ دهد موقتاً و اجباراً در کنار جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت نیز همین موضع را در قالب یک پیش فرض از میان پیش فرض های ممکن یک موقعیت احتمالی بیان کرده اند. می توان در باره فرمول بندی یک موضع مشترک بحث کرد اما جوهره سخن من با آنان یکی است. اگر ارتش خارجی به ایران حمله کند، فرضی که به نظر من هنوز بعید و تا حد بالائی ناممکن است، جای ما در کنار مردمی است که با اشغالگران می جنگند و برای دموکراسی ایران مبارزه می کنند.

مبارزه با ارتش اشغالگر خارجی گاه به نزدیکی یا حتا همکاری موقتی با حکومتی منجر می شود که با آن مخالفیم و گاه امکان آن وجود دارد که در صفی مستقل با اشغالگران جنگید. حمله گسترده نظامی به ایران - اگر رخ دهد - نه فقط در ایران که در منطقه، به موقعیت و شرایط و صف بندی هایی منجر خواهد شد که پیش بینی آن دشوار و حتا ناممکن است. اما اگر در شرایط کنونی و در پاسخ به کسانی که به زبان های گوناگون از حمله نظامی به ایران دفاع و آن را تشویق می کنند، موضعی روشن باید اتخاذ کرد، این موضع باید مخالفت با جنگ در دوره کنونی و مبارزه با ارتش اشغالگر در دوره جنگ باشد. اشکال تحقق این موضع را شرایط و صف بندی های متغیر تعریف خواهند کرد. هر چه هست در برخی موقعیت های مهم تاریخی دفاع از منافع ملی مردم بر برنامه های حزبی اولویت می یابد و مواضع درست را در این موقعیت ها باید با درایت و شجاعت و به دور از تنگ نظری و منافع گروهی تدوین، بیان و اجرا کرد.

تلاش - با سپاس بی پایان از شما!